

شاه نعمت‌الله

از دیده سه درویش

بیشتر درویشان ایران منسوب بشاه نعمت‌الله ولی هستند و پیروان «طریقت نعمت‌اللهی» در شهرها و دیه‌های کشور بسیارند بقول خواجه حافظ شیرازی آن عارف ملکوتی:

آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی بما کنند

بتازگی دو کتاب در شرح احوال و آثار شاه نعمت‌الله ولی کرمانی تألیف و منتشر شد و زیور کتابخانه‌ها گردید.

۱- دکتر جواد نوربخش کرمانی - رضانور نعمت‌اللهی هر کدام جدا گانه درین زمینه کتابی پرداختند و از دیده و نظر طریقتی خود در شرح احوال و آثار شاه ماهان تحقیق نمودند.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نه من بر آن گل عارض غزل سرایم بس

که عندلیب تو از هر طرف هزارانند

دکتر جواد نوربخش کرمانی درویشی که تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران پایان رسانید و سمت ارشاد و طبابت جسمانی و روحانی را دارا و بقول دوستانش «طبیعی است عیسوی دم نه آدمی کش» روح نوینی به‌طریقه درویشی «ذوالریاستین» بخشید. چه مدت‌ها در خدمت پیر بود و بعد از وفات پیر طریقت بر مسند ارشاد و قطبیت نشست و در راه تصوف زحمت کشید ورنج برد و مدعیان قطبیت و ارشاد با او از در مخالفت درآمدند !!

حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود

تا آن زمان که پرده برافتد چها کنند

صبر و بردباری و استقامت که از شرایط سیر و سلوک است پیشرفتی به خانقاه

داد و میتوان امیدوار شد که جانشین «ذوالریاستین» آئین شریعت را با طریقت اجرا
می‌کند و با در نظر گرفتن احوال زمانه بساط تصوف را گسترش می‌دهد .

اوقات خوش آن بود که با دوست بسررفت

باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود

رسائل چاپی مؤلف شرح احوال و آثار شاه نعمت‌الله ولی کرمانی این است :

۱- سخن دل

۲- خانقاه

۳- آداب ورود در سلک اهل دل

۴- تفسیر سوره حجرات و خطبه همام حضرت امیر ع

۵- تفسیر سوره ق و حشر و خطبه مؤمنین حضرت امیر علیه السلام

۶- حقایق المحبة فی دقایق الوحده

۷- مرید و مراد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۸- آداب خانقاه جلد اول

۹- دیوان نوربخش جلد اول و دوم

۱۰- گلستان جاوید جلد اول

۱۱- چراغ راه جلد اول

بشوی اوراق اگر همدرس مائی

که علم عشق را دفتر نباشد

۲- رضانور نعمة‌اللهی مؤلف کتابت شاه ماهان شاعر و عارفی است هنرمند ،

گاهگاهی در انجمن ادبی حکیم نظامی می آمد و غزلیاتی در مجله ارمغان دارد شور و
عشق و ذوق عرفانی را با هنرمندی بهم آمیخت .

بر خاک راه یار نهادیم روی خویش

بر روی ما رواست اگر آشنا رود

رضانور سالیان درازی است بمطالعه در اشعار حافظ سرگرم است و کتابی در
حدود هزار صفحه در شرح احوال و اشعار حافظ تألیف نمود و آیات قرآن و احادیثی
که حافظ در اشعار خود بدانها نظر داشت بشرح و تفسیر پرداخت ، خدا کند در هنگام
چاپ کتاب حافظ تجدید نظری در نوشته‌های خود نماید و از تعصبات طریقتی خود
بکاهد و مانند کتاب شرح احوال شاه نعمت‌الله ولی یک طرفه داوری ننماید! تا اثری
شایسته در جهان ادب و فرهنگ بیادگار گذارد :

حجاب راه توئی حافظ از میان برخیز

خوشا کسی که درین راه بی حجاب رود

مؤلف کتاب شاه ماهان از صاحب منصبان ارشد وزارت کشور بود هنگامیکه
دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه تهران وزیر کشور بود بنا بمعرفی نگارنده
این سطور رضانور را مورد توجه و عطوفت خود قرار داد . با آنکه کاری برایش نکرد
ولی از وزیر شادمان بشد و خاطره خوشی از وی داشت آری قلب شاعر و هنرمند
و نویسنده حساس‌ترین دل‌ها است و با مردم دیگر فرسنگها تفاوت دارد .

ای جان حدیث ما بر دلدار بازگو

لیکن چنان مگو که صبارا خبر شود

بی‌مناسبت نیست که این حکایت را در اینجا بیاورم تا یکی دیگر که در باره
« طریقت شاه نعمت‌الله ولی » کتابی تألیف و منتشر ساخت شناخته شود .

در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب

یارب مباد آنکه گدا معتبر شود

یاد دارم که آقاسید عبدالحسین حجت بلاغی زمانی دوست ما بود فاضلی وارسته و روحانی بی‌ریا و باصفا بشمار میرفت و در جرگه فضلا و دانشمندان احترام داشت توسط نگارنده ناچیز این سطور نامه ای باقا میرزا ابوالفضل شیخ الاسلام زنجانی نوشت، من هم در معرفی ایشان چند سطر نوشتم.

خدایش رحمت کناد و بعقیده من از دانشمندان انگشت شماری است که طبیعت در هر قرنی چند نفر از آنان را غلط انداز بجامعه بشری تحویل میدهد چه هر گاه کتابهایش چاپ شود.

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

شیخ الاسلام پاسخ سید را توسط من فرستاد همه میدانیم که رسم است عناوینی در پشت پاکت مینویسند نخست عنوان من و سپس عنوان ایشان را نوشت و در کتاب شرح احوال شمس العرفاء چاپ دوم تألیف حجت بلاغی عنوان ایشان که در پشت پاکت نوشته شده است کلیشه شد و تمام عنوان من حذف گردید و آخرین جزء نام فامیلی مرا که کلمه «چهاردهی» است چاپ کرد و از کلمه «مدرسی» دو حرف «سی» در کلیشه پشت پاکت نمودار گردید. انسانی و مطالعات فرهنگی

تو کز مکارم اخلاق عالمی داری

وفای عهد من از خاطرت بدر نرود

این مدعی قطبیت که خود را جانشین مسند ارشاد و دعوت شاه نعمت‌الله ولی و شمس العرفاء و ذوالریاستین میدانند سراسر کتابش ناسزا و افتراء بدیگران است آیا مدارک و سند قطبیت مؤلف کتاب شمس العرفاء حذف عنوان و اعتبارات دیگران است غافل از آنکه.

نظر کردن بدرویشان منافی بزرگی نیست

سلیمان باچنان حشمت نظرها بود بامورش

گویا مؤلف کتاب شمس‌العرفاء جعل سند و افتراء بدیگر درویشان را برای احراز مقام قطبیت در سلسله نعمت‌اللہی از دیر زمانی حجت میدانند؟!:

درین خرقه بسی آلودگی هست

خوشا وقت قبای می فروشان

درین صوفی‌وشان دردی ندیدم

که صافی باد عیش درد‌نوشان

کتاب درباره شرح احوال شمس‌العرفاء و سلسله شاه نعمت‌الله کرمانی است. یاناسزا گوئی بدیگر درویشان است.

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند

نه هر که آینه سازد سکندری داند

هزار نکته باریکتر ز هو اینجاست

نه هر که سر بتراشد قلندری داند

روزی از روزها بکتابفروشی شمس در خیابان ناصری رفتم آقا سید عبدالحسین حجت بلاغی را دیدم که مانند ما عاشق کتاب است ولی دریغا که بدانشمندان بزرگ و قانون‌گذاران شریعت‌اسلام مانند صاحب کتاب بسیار نفیس «جواهر الکلام» بزشتی یاد میکند.

حسد چه می‌بری ای سست‌نظم بر حافظ

قبول خاطر و لطف سخن خدا دادست

باللعجب چه بر سرش زده که ترك همه را گفت و زبان و قلم خود را

آلوده ساخت.

ای مگس عرصه سیم‌رخ نه جولانگه تست

عرض خود می‌بری و زحمت ما میداری

بیگانگان گمان میدارند هر چه در کتاب شرح احوال شمس العرفاء بهم بافته شده است درست است غافل از آنکه این کتاب نه آئین شریعت محمدی است و نه راه و رسم طریقت شاه نعمت الله ولی!؟

پس از اندک دقتی در احوال و آثار مؤلف کتاب دانستم که ایشان مدعی مقام قطبیت هستند و چون از غافله رندان عقب ماندند زده است بسیم آخر .

و باین بیت حافظ شیرازی که از ارباب انواع عرفانش میدانم مترنم شدم مدعیان قطبیت را ترك گفتم :

گفتگو آیین درویشی نبود

ورنه باتو ماجر اها داشتیم

م . ی



نه هر کس کلک بردارد دبیر است

که هم کلک است دست افزار جولاه

ز آهن آلت حجام سازند

هم از وی تیغ در دست شهنشاه

محمد بن نصیر